



دکتر محمد حسین حلیمی در سال ۱۳۱۹ در شهر همدان متولد شد. وی که لیسانس نقاشی از دانشکده هنرهای زیبا، فوق لیسانس گرافیک از مدرسه عالی هنرهای تزئینی پاریس، فوق لیسانس هنرهای تجسمی و دکترای زیبایی شناسی از سوربن پاریس دارد، درباره تابلوهای نقاشی بجا مانده از چمران به گفت و گو نشستیم.

« مروری بر نقاشی های شهید چمران » در گفت شنود شاهد یاران با  
دکتر محمد حسین حلیمی، استاد دانشکده هنرهای زیبای تهران

## تصویر گر حقیقت کلمات...

یکی از آثار جالب شهید چمران، تمثال حضرت امیر(ع) است که در داخل صفحات یکی از آثار ایشان هم چاپ شده، لطفاً درباره این اثر هم توضیح بدهید.

مهندس چمران گفته اند که: تعدادی از تابلوهای شهید چمران که در لبنان بوده، هنوز هم آنجاست. ایشان می گویند که یادم هست که آن را اول بار سیاه و سفید برای من کشید. آن زمان من خودم را کمی لوس کردم و گفتم: چرا سیاه و سفید کشیدی؟ هفته بعد ایشان رنگی آن را هم کشیدند. اصل آن سیاه و سفید است.

یک نکته دیگر در کارهای نقاشی دکتر چمران این است که او عاشق حرکت بوده و این تحرک در همه آثارش مشهود است. البته حرکت، حرکتی خشن نیست بلکه لطیف و بی وزن است. حرکت ممکن است حالتی متفاوتی داشته باشد. حرکت گاه به وسیله یک شیء انجام می گیرد مثل حرکت قطار. گاهی هم ممکن است حرکت به وسیله یک پرنده انجام بشود و با لطافت یک شعر و یک پیام همراه باشد. نوع حرکتی که در آثار ایشان است، با توجه به سمبلیایی که برای کارهای انتخاب کرده، نشان می دهد که حرکت، حرکت دورانی نیست.

از یک نقطه افقی به یک نقطه دیگر نیست بلکه حرکت از پایین به بالاست. این حرکت از پایین به بالا را شما در تمام آثارشان می بینید. در تابلو «اسب»، «شمع» و «کیوتر» و حتی در تابلوی به ظاهر ایستایی که از حضرت امیر(ع) است. در آنجا هم نگاه و منظر حضرت امیر(ع) رو به بالاست. سنگینی نظر از پایین حرکت می کند و به سمت بالاست. در تابلوهای دیگر این حرکت صعودی در شعله شمع که می سوزد در حرکت اسب و پرنده هم دیده می شود که نوعی ناپایداری را نشان می دهد. حرکت به نقطه ای است که آن نقطه، نقطه اوج یا نقطه شهادت است.

به طور کلی نقاشی تا چه حد می تواند انسان را به حقیقت رهنمون کند؟

همانطور که گفتم، برای رسیدن به قله شناخت و حقیقت از خیلی راهها می توان رفت، حتی از طریق ریاضیات و طبیعت. حتی از یک برگ درخت هم می شود به مسیر وارد شد. ولی به نظر می رسد که راه نقاشی - البته اگر درست انتخاب شود- یک راه میانبر است.

اگر از دیدگاه تخصصی و تکنیکی خواهید آثار نقاشی شهید چمران را تحلیل کنید، کدام یک از این آثار را واجد تکنیک خاصی می دانید؟

آثار دکتر چمران را اگر بخواهیم از دیدگاه تخصصی نگاه کنیم، به کار لطمه می زند، البته در بین آثار ایشان اثری که نشان دهنده ترکیبی از آب و بیکرانگی دریاست، کاری کاملاً فنی، حرفه ای و از نظر تکنیکی موفق است. به نظر من همه آثار نقاشی شهید چمران را باید در کنار هم و با هم دید، این آثار به باور من با کلماتی مطابقت دارد که در نوشته ها و نیایش های دکتر چمران است، گویی آن نوشته ها اینجا به «نقش» و «تصویر» تبدیل شده اند و وحدت یافته اند. در کل یک نوع یکدستی بین حرف و عمل و گفتار و کردار را نشان می دهند. ■

یک سمبل شناخته شده، هم در فرهنگ ما و هم در فرهنگ بشری است. ما در فرهنگ ایران، رخس و شبدیز را داریم و در فرهنگ اسلامی مان هم «براق و ذوالجناب» را داریم. اسب نمادی از حرکت، عصیان، پویایی و رفتن است. وقتی در یک نگاه کلی، این سه سمبل «اسب»، «کیوتر» و «شمع» را کنار هم بگذاریم، با مفهوم واحدی از «سمبولیسم»، به عالم دکتر چمران وارد می شویم عالمی که معرف ابعاد عرفانی ایشان است.

از نظر شما آثار یک هنرمند تا چه حدی می تواند انعکاس دهنده صادق روحیه و تفکر یک هنرمند باشد؟

او عاشق حرکت بوده و این تحرک در همه آثارش مشهود است. حرکت گاه به وسیله یک شیء انجام می گیرد مثل حرکت قطار. گاهی هم ممکن است حرکت به وسیله یک پرنده انجام بشود و با لطافت یک شعر و یک پیام همراه باشد. نوع حرکتی که در آثار ایشان است، با توجه به سمبلیایی که برای کارهای انتخاب کرده، نشان می دهد.

تا حد بسیار زیادی، اصولاً اگر دوگانگی در نظر یا عمل هنرمندی باشد، در آثارش متجلی می شود و به همین دلیل، وقتی به آثار نقاشی دکتر چمران نگاه می کنیم، می بینیم همه آنها نشان دهنده یکدستی نظر و عمل یا گفتار و کردار ایشانند و در حقیقت نگاه و ژرفای او را نشان می دهند.

این آثار در چه زمانی و کجا کشیده شده اند؟  
چنانچه مهندس چمران گفته اند گویا پس از پروزی انقلاب و در همین جا در بنیاد. ایشان زمانی که وزیر دفاع بود، در آن شرایط خاص و بحرانی، شبها که به خانه می آمده گاه ساعت ۱۲ شب به بعد این تابلوها را کشیده است.

